

A Critical Study of the Contemporary Salafi Approach to the Interaction of the Ahl al-Bayt (pbut) with the Caliphs

✉ **Majid Aflakiyan**  / Ph.D. in History of Twelver Shiism, Imam Khomeini Educational and Research Institute
majidaflakiyan@gmail.com

Hamid Montazeri Moghadam / Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini Educational and Research Institute
montazeri@iki.ac.ir

Received: 2024/12/16 - **Accepted:** 2025/05/22

Abstract

Contemporary Salafism consists of various types, including traditional, jihadi, scientific, and reformist, which have differences among themselves. Among all the contemporary Salafi sects, a new type has emerged that places great emphasis on the agreements of the Ahl al-Bayt (pbut) with the caliphs. To prove their claim, Salafis have adopted conventions such as naming the children of the Ahl al-Bayt (pbut) after the caliphs, marrying the caliphs to the daughters of the Ahl al-Bayt (pbut), marrying the children of the caliphs to the Ahl al-Bayt (pbut), and mutually praising the Ahl al-Bayt (pbut) and the caliphs. The goal of contemporary Salafism in making this claim is to prove the good relations between the Ahl al-Bayt (pbut) and the caliphs and to deny any differences between them. The aforementioned movement also accuses the Imamy Shiites of being responsible for the division of the Islamic world and of lying about the usurpation of the caliphate by the three caliphs and the differences after the death of the Prophet (pbuh&hh). Using a "historical and critical" method, this article criticizes the contemporary Salafi ideology of consensus.

Keywords: Contemporary Salafism, Nasibiism, Marriage of Imams' Children, Naming of Ahlul Bayt (pbut)'s Children, History of Ahlul Bayt (pbut), Praise of Ahlul Bayt (pbut) for the Caliphs, Praise of Caliphs for Ahlul Bayt (pbut).

بررسی انتقادی رویکرد سلفیه معاصر به تعامل اهل بیت علیهم السلام با خلفا

majidaflakiyan@gmail.com

montazeri@iki.ac.ir

✉ مجید افلاکیان  / دکترای تاریخ تشیع اثنا عشری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

حامد منتظری مقدم / دانشیار گروه تاریخ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

چکیده

سلفیه معاصر متشکل از گونه‌های مختلفی از جمله سنتی، جهادی، علمی و اصلاحی است که اختلافاتی با هم دارند از میان تمام فرق سلفیه معاصر، یک گونه جدید نمود پیدا کرده که تأکید زیادی بر موافقات اهل بیت علیهم السلام نسبت به خلفا دارد. سلفیه موافقاتی برای اثبات مدعای خود به نام‌گذاری فرزندان اهل بیت علیهم السلام به نام خلفا، ازدواج خلفا با دختران اهل بیت علیهم السلام، ازدواج فرزندان خلفا با اهل بیت علیهم السلام و ستایش متقابل اهل بیت علیهم السلام و خلفا دست یازیده‌اند. هدف سلفیه معاصر از طرح این ادعا، اثبات روابط حسنه میان اهل بیت علیهم السلام و خلفا و نفی هرگونه اختلاف میان آنهاست. همچنین جریان مزبور شیعیان امامی را عامل گسست جهان اسلام و دروغ‌پردازی درباره غصب خلافت توسط خلفای سه‌گانه و اختلافات پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله متهم می‌کند. این مقاله به روش «تاریخی - انتقادی» به نقد اندیشه سلفیه معاصر موافقاتی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: سلفیه معاصر، ناصبی‌گری، ازدواج فرزندان ائمه علیهم السلام، نام‌گذاری فرزندان اهل بیت علیهم السلام، تاریخ اهل بیت علیهم السلام، ستایش اهل بیت علیهم السلام از خلفا، ستایش خلفا از اهل بیت علیهم السلام.

مقدمه

با مراجعه به کتب ملل و نحل، روشن می‌شود که مکتبی به نام «سلفیه» پیش از ابن تیمیه وجود نداشته و شکل‌گیری این مکتب چند قرن زمان برده تا به صورت امروزی نمود یافته است.

سرمشأ تغییر و تحولات مکاتب فقهی و کلامی اهل سنت، منع نگارش حدیث و دوری از مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام تا اوایل قرن دوم هجری بوده که موجب بروز چالش‌هایی در مسائل مستحدث شده است.

تداوم اختلاف میان پیروان مذاهب چهارگانه و اشکالات موجود در هر یک از آنها، موجب شد ابن تیمیه بطلان فهم تمام مسلمانان، حتی مذاهب اربعه اهل سنت را اعلام کند. او حکم به صحت و حجیت فهم سلف صالح داد و پیروی از امام خاص را تکفیر کرد. ابن تیمیه باب اجتهاد را با تفسیری خاص خود گشود و معتقد بود: تقلید از امام خاص اشتباه است و پیروی از امام نامعین الزامی است.^۱

اندیشه‌های ابن تیمیه ابتدا با مخالفت مواجه شد و حدیث‌گرایان تا چهار قرن با افکار او مقابله کردند. اما برخی از استادان مدینه اندیشه‌های ابن تیمیه را تدریس کردند. سه تن از شاگردان آنها پیروان بسیاری یافتند: محمد بن عبدالوهاب که وهابیت را با حمایت آل سعود بنیان نهاد؛ ابن‌الامیر صنعانی که سلفیه زبیدیه را در یمن تأسیس کرد؛ و شاه‌ولی‌الله دهلوی که دیوبندیه هند را به وجود آورد.^۲

از قرن دوازدهم به بعد، پیروی از اندیشه‌های ابن تیمیه در فرقه‌های مختلف گسترش یافت. بسیاری از سلفیه معاصر تابع اندیشه‌های ابن تیمیه هستند، اما یک گرایش جدید در میان آنها ظهور کرده که تأکید زیادی بر روابط حسنه اهل بیت علیهم السلام با خلفا دارد. برای اثبات چنین روابطی، این جریان به نام‌گذاری فرزندان ائمه علیهم السلام به نام خلفا، ازدواج دختران ائمه علیهم السلام با خلفا، ازدواج فرزندان آنها با یکدیگر و ستایش متقابل آنان استناد می‌کند.

ثمره اثبات این مدعا، مشروعیت‌بخشی به خلافت خلفا، حمله به شیعیان امامی، و متهم کردن آنها به ایجاد تفرقه در جهان اسلام بوده است. همچنین جریان مزبور شبهات فراوانی درباره تعامل مشروعیت‌بخش اهل بیت علیهم السلام با خلفا مطرح کرده است. تفاوت این گرایش جدید با رویکرد ابن تیمیه و سایر سلفیه نسبت به اهل بیت علیهم السلام در این است که ابن تیمیه بیشترین تنقیص را درباره اهل بیت علیهم السلام، به‌ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام، داشت، به‌گونه‌ای که برخی نویسندگان حملات ابن تیمیه را ناشی از دشمنی شدید او با علامه حلی،^۳ برخی ناشی از شتاب‌زدگی او در رد شیعه،^۴ و برخی دیگر به علت ناصبی بودن او دانسته‌اند.^۵

۱. ر.ک. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۲۲، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۲. ر.ک. مهدی فرمانیان و محمد معینی فر، سلفیه از گذشته تا حال.

۳. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۶، ص ۳۱۹.

۴. محمد ناصرالدین آل‌بانی، سلسلة الأحادیث الصحیحة و شیء من فقهها و فوائدھا، ج ۵، ص ۲۶۳.

۵. ر.ک. حبیب عباسی، «بررسی دلایل ناصبی بودن ابن تیمیه با تکیه بر آثار وی و دیدگاه علمای اهل سنت پیرامون ناصبی بودن او»، ص ۱۳۹-۱۷۵.

ابن تیمیه تأکیدی بر روابط حسنه اهل بیت علیهم السلام با خلفا از طریق نام گذاری فرزندان اهل بیت علیهم السلام به نام خلفا یا مصاهرات نداشت، بلکه تا جایی که توانست، فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام را زیر سؤال برد و معتقد بود: نام گذاری دلالتی بر مذهب و دین شخص ندارد و برداشت‌های مختلف از اسم صحیح نیست؛ زیرا ممکن است کافری نام فرزندش را مشابه نام مسلمانی انتخاب کند یا یک اهل سنت نام فرزندش را مشابه نام یکی از امامان شیعه برگزیند.^۱ همچنین ابن تیمیه معتقد بود: صرف ازدواج فضیلتی ایجاد نمی‌کند، مگر آنکه همراه با تقوای بیشتر باشد.^۲

گرایش جدید سلفیه نسبت به اهل بیت علیهم السلام، پیش از ابن تیمیه در میان پیروان مکتب خلفا دیده می‌شود؛ از جمله در فضائل الصحابة و مناقبهم و قول بعضهم فی بعض دارقطنی و الموافقات زمخشری. با این حال، ورود ابن اندیشه به تفکر سلفی می‌تواند تابع شرایط اجتماعی و سیاسی باشد تا نقطه ثقل قدرت شیعیان را تضعیف کرده، آنها را نامرتب با اهل بیت علیهم السلام قلمداد کند.

بر اعتقادات ابن تیمیه و وهابیت از منظر عقاید نقدهای فراوانی وارد شده که خارج از موضوع این پژوهش است. لیکن نقد اندیشه سلفیه معاصر درباره روابط اهل بیت علیهم السلام با خلفا به صورت رویکردی مد نظر قرار نگرفته و بیشتر نقدهای موجود جنبه مصادق محور دارد. از این رو نقد این رویکرد ضروری است. برخی آثاری که دیدگاه‌های سلفیه را به صورت موردی نقد کرده‌اند، در بخش نقد و ارزیابی (نقد مصادیق ادعایی) معرفی خواهند شد.

این پژوهش به روش «تاریخی - انتقادی» اندیشه سلفیه معاصر با گرایش موافقاتی را نقد کرده است.

۱. سلفیه معاصر موافقاتی

گونه‌شناسی سلفیه معاصر نیازمند پژوهشی مستقل است و بررسی آراء گونه‌های مختلف سلفیه نیز مستلزم تحقیق جداگانه‌ای است. با این حال، «سلفیه معاصر موافقاتی» گونه‌ای جدید از سلفیه است که تلفیقی از انواع سلفیه را دربر می‌گیرد.

این گروه از سلفیه، همانند دیگر فرق سلفی، به ولایت الهی اهل بیت علیهم السلام و جایگاه علمی آنان اعتقادی ندارند و علم غیب و عصمت امامان شیعه علیهم السلام را زیر سؤال می‌برند. آنها معتقدند: امامت جامعه اسلامی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم واگذار شده است و تمام سفارش‌های مربوط به اهل بیت علیهم السلام منحصر به پنج تن آل عبا علیهم السلام، حضرت زهرا علیها السلام و دوازده امام علیهم السلام نیست. همچنین برخی از خلفا را برتر از حضرت علی علیه السلام می‌دانند^۳ و مدعای شیعیان درباره اختلاف خلفا با ائمه علیهم السلام را مخالف عملکرد اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کنند.

۱. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدیریة، ج ۱، ص ۴۲-۴۳.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۱۶.

۳. عبدالله بن احمد بن حنبل، فضائل عثمان بن عفان، ص ۶۷.

به سبب پیچیدگی شبهات مطرح شده، این جریان می تواند آسیب اعتقادی جبران ناپذیری برای جوامع اسلامی، به ویژه افراد کم اطلاع برجای بگذارد؛ از یک سو، روش های تند برخی از فرق تکفیری در میان آنها کمتر دیده می شود و از سوی دیگر، تلاش برای زدودن اشتباهات گذشتگان بدون اعتراف به خطای آنها، نوعی عملکرد نفاق آلود است که موجب حمله مسلمانان نا آگاه به دوستداران حقیقی اهل بیت علیهم السلام می شود.

پس از قدرت گیری وهابیت، «القاعده» و «داعش» و کشتار مسلمانان در مناطق مختلف جهان اسلام (از جمله کربلا، نجف، سوریه، افغانستان و پاکستان) این اقدامات نه تنها چهره سلفی را در جهان اسلام تخریب کرد، بلکه جایگاه مشروعیت رهبران آنها در صدر اسلام را نیز مسئله دار نمود. از این رو برای ترمیم وضعیت پیش آمده، راه حل پیچیده های را برگزیدند.

یکی از اقدامات آنها در پیش گرفتن مسیر علمی در مقابل مسیر تکفیر بود. این جریان با فعالیت در شبکه های ماهواره ای و تأسیس برخی مراکز، تبلیغات گسترده ای برای اثبات حقانیت خلفا و پیروان آنها انجام داد. تأسیس مؤسسه «مبرة الآل و الاصحاب» و فعالیت برخی کارشناسان سلفی در شبکه های مجازی (مانند عبدالقادر ترشابی، محمد باقر سجودی، سید عقیل هاشمی، عبدالفتاح خدمتی، عبدالمجید موحد خرمی و دیگران) در شبکه های جهانی ماهواره ای نظیر نور، کلمه، وصال حق و دیگر شبکه ها، در همین زمینه قابل تعریف است.

جریان سلفیه موافقاتی جریانی التقاطی است که قصد دارد نقطه ثقل و قدرت شیعیان امامی را از آنها سلب و مختص پیروان مکتب خلفا کند و شیعیان را نامرتب با اهل بیت علیهم السلام معرفی نماید. بدین روی، با توجه به عمق و پیچیدگی نفوذ و قدرت جریان شیعه امامی، جریان سلفی نیز این روش را در پیش گرفته است. هدف آنها از یک سو، کاهش آسیب های تهاجم فیزیکی سلفیان وهابی و داعش و از سوی دیگر، متوجه کردن انگشت اتهام گسست در جهان اسلام به شیعیان امامی است.

البته بنیان های این تفکر در میان اهل سنت وجود داشته و سلفیان معاصر موافقاتی از ظرفیت احادیث موجود در متون اهل سنت و اندیشه های موافقاتی پیروان مکتب خلفا بهره جسته اند. بنابراین، هر چند عنوان مقاله بر نقد سلفیه معاصر تأکید دارد، می توان آن را «نقد رویکرد برخی اهل سنت نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان» نامید.

یکی از مراکز مهم سلفیه معاصر «مرکز البحوث و الدراسات مبرة الآل و الاصحاب» در کشور کویت است که تارنمای رسمی آنها به نشانی almabarrah.net فعالیت می کند. این مؤسسه با نگاه موافقاتی، به چاپ و نشر کتب متعدد پرداخته است که در بخش بعدی با عنوان «مدعا و مستندات گرایش موافقاتی» به برخی از این کتب اشاره خواهد شد.

درواقع، تقویت رویکرد اهل بیت محور و شیعه ستیزی در میان سلفیه معاصر و پیروان مکتب خلفا، پیش از این تیمیه، تابع شدت اقتدار شیعه یا برجسته شدن عدم عمل به دستور مودت و محبت نسبت به خاندان وحی است.

برای نمونه، نگارش فضائل الصحابه احمد بن حنبل و مسئله تریع او^۱ پس از اقدامات تند حاکمیتی علیه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و حاکمیت دو قرن تقابل با اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امیر المؤمنین علیه السلام، یا ناشی از فشار تبلیغات عباسیان برای

۱. محمد بن محمد ابن ابی یعلی، المسائل التي حلف عليها أحمد بن حنبل، ص ۴۶؛ عبدالقادر بن احمد بدران، المدخل إلى مذهب الإمام أحمد بن حنبل، ص ۸۴.

اهل بیت دوستی هنگام ارسال داعیان بوده و یا به سبب آشکار شدن نفوذ و قدرت شیعه که مدارک و اسناد آن در کتاب تاریخ سیاسی شیعیان اثنا عشری ذکر شده است.^۱

پس از احمد بن حنبل، برخی از کتب با نگاه موافقاتی نگاشته شدند؛ از جمله کتاب منسوب به دارقطنی با عنوان فضائل الصحابة و مناقبهم و قول بعضهم فی بعض و کتاب محمود بن عمر زمخشری با عنوان الموافقات. این نوع کتب موافقاتی اخیراً رشد بیشتری یافته و برخی نویسندگان، از جمله ابوخلیفه علی بن محمد بن محمد قُضیبی مشهور به «عثمان خمیس» و دیگر نویسندگان همین رویکرد را برجسته کرده اند.

درواقع، هر نوع تلاش برای اثبات روابط حسنه میان خلفا و اهل بیت علیهم السلام و متهم کردن شیعیان امامی به گسست در جهان اسلام، در جهت اهداف سلفیه معاصر با گرایش موافقاتی است، حتی اگر کسی از نظر فرقه‌ای داخل یکی از انواع مختلف سلفیه (مانند سلفیه وهابی، جهادی یا نوسلفیه) باشد.

۲. مدعا و مستندات سلفیه موافقاتی

سلفیه معاصر با گرایش موافقاتی مدعی وجود روابط حسنه میان خلفا و اهل بیت علیهم السلام است و شیعیان را عامل گسست در جهان اسلام معرفی می‌کند. برای اثبات این مدعا، این جریان به چند موضوع مهم استناد کرده است؛ از جمله نام‌گذاری فرزندان ائمه علیهم السلام به نام خلفا، ازدواج دختران ائمه علیهم السلام با خلفا، ازدواج فرزندان خلفا با اهل بیت علیهم السلام، و ستایش متقابل میان آنان. سلفیه موافقاتی با نگارش کتاب‌هایی در این زمینه کوشیده است تا استدلال‌های خود را مستند سازد. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

- سید بن احمد بن ابراهیم، الاسماء و المصاهرات بین اهل البيت و الصحابة، تحقیق مرکز البحوث و الدراسات بمبرة الآل و الاصحاب؛
- عثمان الخمیس، سلسلة آل البيت و الصحابة؛
- عبدالاحد عبدالقدوس، صدق المحبة بین آل البيت و الصحابة رضی الله عنهم؛
- علی بن حمد بن محمد التمیمی، الآل و الصحابة: محبة و قرابه؛
- مرکز البحوث و الدراسات، الثناء المتبادل بین الآل و الاصحاب؛
- صالح بن عبدالله الدرویش، التراحم بین آل بیت النبی صلی الله علیه و آله و بین بقية الصحابة، رحماء بینهما، تحقیق لجنة زكاة جابر العلی و الفنتاس؛
- البواقیت الدریة فی ثناء اهل البيت علی الصحابة؛
- عمر عبدالله کامل، الادلة الباهرة علی نفی البغضاء بین الصحابة و العترة الطاهرة.

۱. ر.ک. پروین ترکمنی آذر، تاریخ سیاسی شیعیان اثنا عشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه).

این آثار تلاش دارند با استناد به متون متقدم اهل سنت و شیعه، روابط حسنه میان اهل بیت علیهم السلام و خلفا را اثبات کنند و شیعه را عامل اصلی تفرقه در جهان اسلام معرفی نمایند.

۲-۱. نقد و ارزیابی

برای نقد نگاه موافقاتی، می توان از دو روش استفاده کرد:

۱-۲. نقد مصادیق ادعای

نقد تک تک ادعاهای سلفیه موافقاتی، از جمله نام گذاری برخی فرزندان اهل بیت علیهم السلام به نام خلفا، ازدواج های صورت گرفته میان اهل بیت علیهم السلام و خلفا، یا ازدواج فرزندان خلفا با ائمه علیهم السلام خارج از ظرفیت این مقاله است. با توجه به اینکه برخی کتب به نقد این موارد پرداخته اند، از ذکر مجدد آنها خودداری می شود. علاقه مندان می توانند به منابع ذیل مراجعه کنند:

- سیدعلی شهرستانی، *نام های خلفا بر فرزندان امامان و معمای یک ازدواج*؛

- محمدعلی لباف، *معمای نام*؛

- نجاح الطائی، *تحریف اسماء اولاد المعصومین و انتساب امام صادق علیه السلام به ابوبکر*؛

- نجاح الطائی، *انتساب امام صادق علیه السلام به ابوبکر دروغ است*.

۲-۱-۲. نقد رویکرد

رویکرد سلفیه موافقاتی تاکنون به صورت منسجم و مستقل بررسی نشده است. این رویکرد از چند جهت قابل نقد است:

۱) سیره خلفا و صحابه نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مودت اهل بیت علیهم السلام از دستورات صریح قرآن کریم است؛ چنان که در آیات متعددی به آن اشاره شده است:

«این همان چیزی است که خداوند بندگان خود را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد! بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکان ام [اهل بیت ام]. و هر کس کار نیکی انجام دهد بر نیکی اش می افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است».^۱

در حدیث ثقلین که متواتر است، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من در میان شما دو گوهر گران بها می گذارم: کتاب خدا و عترت ام؛ اهل بیت ام. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض [کوثر] بر من وارد شوند».^۲

دستور به مودت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محل نزاع نیست، اما اجرا یا عدم اجرای این حکم الهی محل اختلاف است. شیعیان معتقدند: ائمه علیهم السلام در عصر حضور خود، بیشترین فشار و تقابل را از سوی خلفا و حاکمان وقت تحمل کردند. برای نمونه، برخی از این فشارها عبارتند از:

۱. شوری: ۲۳.

۲. محمد بن اسحاق سلمی نیشابوری، صحیح ابن خزمه، ج ۴، ص ۶۲. قریب به همین مضمون در کتب دیگر نیز آمده است؛ از جمله: احمد بن ایوب طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۱۶۹؛ عبدالله بن عبدالرحمن تمیمی سمرقندی، مسند الدارمی المعروف بسنن الدارمی، ج ۱، ص ۷۵۷.

الف. بر اساس گزارش‌های متعدد حدیثی و تاریخی، پس از وفات پیامبر ﷺ اختلافاتی بر سر منصب امامت به وجود آمد. موافقان امامت و خلافت حضرت علی ﷺ در خانه حضرت زهرا ﷺ تحصن کردند.^۱ این موضوع برای خلیفه اول سخت آمد و موجب فشار و تهدید بر خاندان پیامبر ﷺ شد، به گونه‌ای که عمر تهدید به آتش زدن در خانه وحی کرد^۲ و ابوبکر اقدام به کشف بیت حضرت فاطمه ﷺ نمود^۳ تا تمام شواهد شهادت تنها یادگار پیامبر ﷺ زیر سؤال برود. مخفی بودن قبر حضرت زهرا ﷺ گواه غربت آن حضرت است.

ب. دامنه اختلافات به حدی زیاد بود که خلیفه اول خود به نبود روابط حسنه اعتراف کرده است. برای نمونه، در صحیح مسلم از قول عمر بن خطاب، نظر امیرالمؤمنین ﷺ و عباس بن عبدالمطلب درباره ابوبکر و عمر چنین گزارش شده است: عمر خطاب به امیرالمؤمنین ﷺ و عباس عموی پیامبر ﷺ گفت: پس از رحلت پیامبر ﷺ، ابوبکر گفت: «من جانشین پیامبر هستم». شما دو نفر آمدید؛ عباس ارث پسر برادرش را از ابوبکر طلب کرد و علی ﷺ نیز ارث همسرش را. ابوبکر پاسخ داد: «پیامبر فرموده‌اند: ما پیامبران ارثی به جای نمی‌گذاریم و هر آنچه باقی بماند، صدقه است». اما شما و عبدالله بن عباس او (ابوبکر) را دروغگو، گناهکار، نیرنگ‌باز و خائن می‌دانستید. پس از ابوبکر، من روی کار آمدم و شما دو نفر مرا نیز دروغگو، گناهکار، نیرنگ‌باز و خائن می‌دانید.^۴

در صحیح بخاری نیز چنین گزارش شده است: حضرت علی ﷺ کسی را دنبال ابوبکر فرستاد تا نزد او بیاید، و تأکید کرد که کسی را همراه خود نیاورد؛ زیرا نمی‌خواست عمر را ببیند.^۵

ج. حضرت علی ﷺ ۲۵ سال خانه‌نشین شدند تا آنکه مسلمانان علیه عثمان شورش کردند. حتی عایشه نیز به شورش علیه عثمان دامن زد؛ چنان که گزارش شده است که او گفت: «به خدا قسم! عثمان مظلوم کشته شد و به خدا قسم! برای خون خواهی او قیام خواهم کرد».

پسر ام کلاب خطاب به عایشه گفت: «برای چه؟ به خدا قسم! نخستین کسی که موضع خود را تغییر داد تو بودی. تو همان کسی هستی که گفتی: بکشید نعل را که کافر شده است!»

عایشه پاسخ داد: «اصحاب عثمان او را به توبه فراخواندند، سپس وی را کشتند. بله، من این سخن را گفته‌ام، اما این حرف من بهتر از حرف اولم است!»^۶

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۳، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۰۲؛ عبدالله بن مسلم این قتیبه دینوری، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۳۰.

۳. ابن زنجویه، الأموال، ج ۱، ص ۳۰۱؛ قریب به همین مضمون، ر.ک. احمد بن ایوب طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۶۲.

۴. مسلم بن حجاج نیشابوری، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ، ج ۳، ص ۱۳۷۷.

۵. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۳۹.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوك، ج ۹، ص ۴۵۹؛ سیف بن عمر اسدی تمیمی، الفتنة و وقعة الجمل، ج ۱، ص ۱۱۵.

عثمان که از «عشره مبشره» بود، توسط برخی دیگر از عشره مبشره کشته شد. پس از او حضرت علی (ع) هنگامی حکومت را به دست گرفت که تبعیض طبقاتی رشد کرده بود. بسیاری از مسلمانان در سه نبرد ناکثین، قاسطین و مارقین مقابل آن حضرت ایستادند و همچنان توجهی به پیروی از خاندان پیامبر (ص) نشد تا آنکه حضرت علی (ع) به شهادت رسید.

۲) سیره حاکمان اموی در تقابل با اهل بیت (ع)

روند تقابل با اهل بیت (ع) پس از شهادت حضرت علی (ع) توسط معاویه ادامه یافت. علاوه بر دشنام نسبت به حضرت علی (ع)^۱ و حسنین (ع)^۲، بسیاری از شیعیان و پیروان اهل بیت (ع)، از جمله قنبر،^۳ حجر بن عدی،^۴ عمرو بن حمق خزاعی،^۵ میثم تمار^۶ و کمیل^۷ به شهادت رسیدند.

حادثه کربلا و شهادت فرزند پیامبر (ص) نیز یکی از نشانه‌های تقابل آشکار با اهل بیت (ع) در خیرالقرن است. پس از آن، امام سجاد (ع) از ورود به بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی خودداری کردند. فشار بر اهل بیت (ع) به‌حدی زیاد بود که ابن تیمیه تصریح کرده است که برخی از حاکمان اموی ناصبی بودند.^۸

۳) مراحل تغییر هویت تقابل و دشمنی به مدعای موافقاتی

الف) منع از سب حضرت علی (ع)

در قرن اول هجری، خاندان پیامبر (ص) با ستم‌های بسیاری روبه‌رو شدند. در این دوره، نه تنها اعتقادی به امامت الهی و سیاسی اهل بیت (ع) وجود نداشت، بلکه حتی پذیرش فضایل آنان نیز با موانع روبه‌رو بود. همچنین از نشر فضایل امیرالمؤمنین (ع) به وسیله منع نگارش حدیث جلوگیری شد و ناصبی‌گری توسط حکام جور تبلیغ شد، تا آنکه عمر بن عبدالعزیز از سب امیرالمؤمنین (ع) منع کرد.^۹

ب) اقدامات سیاسی عباسیان برای حمایت از اهل بیت (ع)

هرچند منع کتابت حدیث دوام نیاورد، اما این سیاست آغازگر تغییر رفتار نسبت به اهل بیت (ع) بود. عباسیان نیز از فضای مسموم قرن اول علیه امویان بهره بردند و شعار «الرضا من آل محمد (ص)» را مطرح کردند.

۱. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ص ۵۵.

۲. محمد بن حسین الأجرى، الشریعه، ج ۵، ص ۲۱۸۳؛ محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۴۱.

۳. محمد بن عمر کشفی، رجال الکشی، ص ۷۵.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۲۷۵-۲۷۸.

۵. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج ۳، ص ۱۱۷۳-۱۱۷۴.

۶. محمد بن عمر کشفی، رجال الکشی، ص ۸۶-۸۷.

۷. ابن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۵، ص ۴۸۶.

۸. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۴۸۸.

۹. عبدالرحمن ابن خلدون، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر، ج ۳، ص ۸۴.

در این تحولات، برخی از جریان‌ها و رهبران شیعی فریب شعار عباسیان را خوردند. با این حال، اتحاد برخی رهبران شیعه با عباسیان، علاوه بر تحول و تضعیف امویان، موجب کاهش دشمنی علیه خاندان پیامبر ﷺ شد.

ج) تقابل برخی از بزرگان اهل سنت با حکام عباسی

ابوحنیفه که پیروان بسیاری در میان اهل سنت دارد، اعتقاد به قیام علیه حاکم ظالم داشت و به شرکت در قیام ابراهیم بن عبدالله دعوت می‌کرد.^۱ استمرار ظلم عباسیان و حمایت خلفای عباسی از معتزله، موجب تحولات جدید در میان اهل سنت شد و برخی از چهره‌های برجسته، از جمله ابوحنیفه، از رهبران شیعه حمایت کردند.

البته باید توجه داشت که هرچند حمایت ابوحنیفه از قیام‌های شیعه در ظاهر بیانگر تمایلات شیعی اوست، برخی این اقدام را به گرایش‌های زیدی او نسبت داده‌اند. باین‌حال، تحقیقات دربارهٔ مبانی اندیشهٔ سیاسی ابوحنیفه نشان داده که حمایت او از قیام‌ها برخاسته از اعتقادات «مرجئه جبریه» بوده است. برخلاف «مرجئه خالصه»، ابوحنیفه به قیام علیه حاکم ظالم باور داشت. ابوحنیفه قیام‌های شیعه، مانند قیام زید بن علی و قیام ابراهیم بن محمد طباطبا علیه حاکمان اموی را همراهی کرد.^۲ او قیام زید را به قیام پیامبر ﷺ در بدر تشبیه کرد،^۳ قیام ابراهیم بن عبدالله را «قیام امام عادل در برابر امام فاسق» دانست^۴ و حضرت علی علیه السلام را در تمام جنگ‌هایش برحق شمرد و دشمنان او را طغیانگر خواند^۵ و تفضیل خلفای چهارگانه به ترتیب تصدی خلافت^۶ و یا برتری حضرت علی علیه السلام بر عثمان،^۷ به او نسبت داده شده است. وی پس از حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام را خلیفه و امام برحق می‌شناخت.

یکی از عوامل مؤثر در کاهش جو تقابل با اهل بیت علیهم السلام، خدمات متقابل معتزله و برخی از حکام عباسی بود که زمینهٔ اتحاد میان شیعه و معتزله را فراهم ساخت. این نزدیکی موجب شد برخی از آراء معتزله به شیعهٔ سیاسی نزدیک شود و عباسیان از این اندیشه‌ها در تقابل با امویان بهره‌برداری کنند.^۸

درواقع، همگرایی برخی دیدگاه‌های معتزله با عقاید شیعه، همراه با استفادهٔ عباسیان از ارتباطات میان شیعه و معتزله، قدرت‌گیری معتزله در ساختار حکومتی عباسیان و رشد نفوذ شیعیان در کنار این تحولات، از جمله عواملی بود که به کاهش جو دشمنی نسبت به خاندان پیامبر ﷺ منجر شد.

۱. احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد و ذیوله، ج ۱۳، ص ۲۸۴.

۲. مسعود بهرامیان و علی تفتیان، «مبانی اندیشه سیاسی امام ابوحنیفه در دفاع از قیام‌های علویان (زید بن علی و ابراهیم بن عبدالله)»، ص ۴۳-۴۴.

۳. همان، ص ۴۹.

۴. همان، ص ۵۱.

۵. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۴.

۶. ابو حنیفه نعمان بن ثابت، الفقه الاکبر، ص ۴۱.

۷. ملاعلی القاری، شرح الفقه الاکبر، ص ۱۱۳.

۸. ر.ک. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۶۷-۸۴ و ۲۷۱-۲۸۶ و ۴۰۶.

د) جایگاه احمد بن حنبل و نقش او در نظریه «تربیع»

به گواهی تاریخ، چهره شاخص اهل حدیث، احمد بن حنبل، تا دوران حکومت متوکل عباسی جایگاهی در میان حاکمان نداشت. در آن زمان، معتزله بیشترین قرب را نزد خلفای عباسی داشتند، تا آنکه متوکل عباسی به مقابله با معتزله پرداخت. قدرت گیری شیعیان و معتزله و نزدیکی اندیشه های آنان، همراه با تسلط ترکان بر خلافت عباسی، موجب شد متوکل برای کاهش قدرت شیعیان و ترکان، دست به اقداماتی بزند؛ از جمله منع مناظرات دینی، تفتیش عقاید، عزل احمد بن ابی دؤاد، و دعوت از فقهای اهل حدیث (از جمله احمد بن حنبل) به سامراء.

طبق گزارش های تاریخی، احمد بن حنبل ابتدا از پذیرش هدایا و حضور در دربار متوکل خودداری کرد؛ اما با اجباری شدن مهاجرت و توصیه مشاور متوکل به احمد بن حنبل، او، هم هدایا را پذیرفت و بخشش نمود، و هم در سال ۲۳۷ قمری اجباراً به سامراء رفت.

نفوذ احمد بن حنبل زیاد بود و متوکل و دیگران از ارتباطات او با مردم آگاه بودند. همچنین آنها از مجالسی که او ترتیب می داد، رضایت نداشتند. محمد بن اسحاق او را تهدید کرد و گفت: «اگر نمی خواهی آنچه در زمان پدرم بر تو گذشت، برایت اتفاق بیفتد، در خانهات بمان!»^۱

عدم پذیرش اقامت در منزل حکومت عباسی، اجاره خانه ای مستقل در سامراء، عدم پذیرش غذای درباری، ضعف جسمانی احمد بن حنبل در بغداد، و عدم تمایل او به آموزش فرزندان متوکل، همراه با درخواست مادر متوکل برای آزادی او، در نهایت، موجب شد احمد بن حنبل به خانه خود بازگردد.^۲

احمد بن حنبل در سال ۲۴۱ قمری در بغداد درگذشت و جمع کثیری در تشییع جنازه اش حضور یافتند. با توجه به آنچه گذشت، مشخص شد که مجالس احمد بن حنبل باب میل متوکل عباسی نبود و دعوت او به سامراء صرفاً برای رصد وی از نزدیک صورت گرفت.

تعارض رفتاری احمد بن حنبل را می توان با بررسی اعتقادنامه^۳ او^۴ تبیین کرد. از یک سو، اخبار فضایل اهل بیت علیهم السلام^۵ و حضرت علی علیه السلام و نظریه «تربیع» در مذهب احمد بن حنبل ثابت و مسلم است.^۵ از سوی دیگر، طبق اعتقادنامه او، قیام علیه حاکم ظالم جایز نیست. همچنین متوکل عباسی به عنوان حاکم ناصبی، او را به سامراء فراخوانده بود.

۱. شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ج ۲۱، ص ۳۱۶-۳۱۷.

۲. ر.ک. همان، ص ۳۱۸-۴۰۶.

۳. احمد بن حنبل در رساله ای مختصر، عقیده اهل حدیث و سنت را بیان کرده و مخالفت و منتقد آن را بدعت گزار و خارج از اهل سنت دانسته است (ر.ک. ابن ابی یعلی، طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۲۴-۳۶).

۴. ر.ک. احمد بن حنبل، فضائل الصحابة.

۵. ابن ابی یعلی، المسائل التي حلف عليها احمد بن حنبل، ص ۴۶؛ عبدالقادر بدران، المدخل إلى مذهب الإمام احمد بن حنبل، ص ۸۴.

مجموع این قرائن نشان می‌دهد که احمد بن حنبل با اعتقادات متوکل مخالف بود و او را مغایر مذهب اهل سنت می‌دانست. در عین حال، بدون ایجاد حساسیت و به بهانه‌های مختلف، از متوکل فاصله گرفت و نظریه «تربیع» را در میان اهل سنت تثبیت کرد.

بنابراین، تقابل با اهل بیت (ع) در قرن اول از سوی حکومت رواج داشت و حتی ابن تیمیه نتوانست این واقعیت را نادیده بگیرد. او اعتراف کرده است که بنی‌امیه از نظر حکومتی ناصبی بودند.^۱ نتیجه طبیعی چنین سیاستی، کنار گذاشتن اهل بیت (ع) از نظر فکری و عقیدتی بود.

درواقع، تغییر رفتار حکومت‌های مخالف اهل بیت (ع) اقدامی برای ترمیم چهره ظاهری پیروان مکتب خلفا بود. این سیاست ضمن حفظ اندیشه‌های پیروان مکتب خلفا، موجب شد نظریه «تربیع» دوباره احیا شود و برخی آسیب‌های ناشی از فاصله گرفتن از اهل بیت (ع) و احادیث نبوی کاهش یابد.

این روند تغییر رفتار در قرون بعدی ادامه یافت. در این مسیر، افرادی همچون بربهاری و ابن تیمیه و دیگر علمای سلفی مسلک در ظاهر با اعتقادات شیعیان امامی مقابله می‌کردند، اما درواقع، با اندیشه‌ها و عقاید اهل بیت (ع) در ستیز بودند. آنان جایگاه اهل بیت (ع) را رعایت نکردند و حتی در موضوعات مشهور، مانند قاتلان امام حسین (ع) و جواز یا عدم جواز لعن، مطالب متناقض بسیاری نقل کردند.

ابن تیمیه در نهایت، در مسئله لعن می‌گوید: «من لعن مشخص کسی را نمی‌پسندم». درباره یزید نیز می‌گوید: «نه او را دوست دارم - چون آدم صالحی نبود - و نه به او ناسزا می‌گوییم؛ زیرا ناسزاگویی به هیچ‌یک از مسلمانان جایز نیست».^۲ او همچنین معتقد بود که یزید قاتل امام حسین (ع) نبوده است.^۳

این در حالی است که خود ابن تیمیه اعتراف کرده است که امویان نسبت به اهل بیت (ع) ناصبی بودند. بنابراین، مشخص نیست چگونه این تناقضات با ادعای محبت به اهل بیت (ع) قابل جمع است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ارائه‌شده، نتایج ذیل قابل برداشت است:

«سلفیة معاصر موافقاتی» یکی از گرایش‌های جدید در میان سلفیة معاصر است که مدعی موافقت اهل بیت (ع) با خلافت است. سلفیة موافقاتی برای اثبات موافقت اهل بیت (ع) با خلفا، به نام‌گذاری فرزندان اهل بیت (ع) به نام خلفا، ازدواج خلفا با دختران اهل بیت (ع)، ازدواج فرزندان خلفا با اهل بیت (ع)، و ستایش متقابل اهل بیت (ع) و خلفا استناد می‌کند.

۱. احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۴۸۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۸۶-۴۸۸. بحث در لعن است؛ اما هنگام استدلال می‌گوید: ناسزا نمی‌گوییم، این نوع استدلال‌ها فرار از لعنی است که دامنگیر ظالمان است، درحالی‌که ناسزاگویی را قرآن کریم، حتی در حق دشمنان خدا هم منع کرده است.

۳. همان، ص ۴۸۶.

سلفیه موافقاتی با ادعای وجود روابط حسنه میان اهل بیت (ع) و خلفا، تلاش دارد شیعیان را عامل گسست جهان اسلام معرفی کند (مصادیق مختلف مدعاهای سلفیه معاصر در بسیاری از کتب شیعه امامی نقد شده است و علاقه‌مندان می‌توانند به این آثار مراجعه کنند).

رویکرد سلفیه معاصر با توجه به سیره خلفا و صحابه نقد شد و مشخص گردید که در عصر حضور ائمه (ع) بیشترین فشار و خفقان علیه اهل بیت (ع) وجود داشت. حضرت زهرا (ع) پس از وفات پیامبر (ص) به شهادت رسیدند، امام علی (ع)، امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) در قرن اول به شهادت رسیدند و شدت فشار بر اهل بیت (ع) به حدی بود که حتی ابن تیمیه به ناصبی بودن برخی خلفای اموی اعتراف کرده است.

تغییر فضای تقابل با اهل بیت (ع) از قرن اول تا سوم - که نزد سلفیه به عنوان «خیر القرون» شناخته می‌شود - زمان زیادی برد. در نهایت، این فضا به گرایش پذیرش حداقلی فضایل اهل بیت (ع) تبدیل شد، از دشنام به امیرالمؤمنین (ع) جلوگیری شد، خلافت حضرت علی (ع) به عنوان خلیفه چهارم پذیرفته شد، و به فضایل حداقلی اهل بیت (ع) اعتراف شد، هرچند با رتبه‌ای پایین‌تر از خلفا.

منابع

قرآن کریم.

- الآجری، محمد بن الحسین، الشریعة، تحقیق عبدالله بن عمر الدمیجی، ریاض، دار الوطن، ۱۹۹۹ م.
- ابن ابی یعلی، محمد بن محمد، المسائل التي حلف عليها أحمد بن حنبل، تحقیق محمود بن محمد الحداد، ریاض، دار العاصمة، ۱۴۰۷ ق.
- ابن ابی یعلی، محمد بن محمد، طبقات الحنابلة، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
- ابن تیمیة حرانی، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، تحقیق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۹۹۵.
- ابن تیمیة حرانی، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدیریة، تحقیق د. محمد رشاد سالم، بی جا. مؤسسة قرطبه، ۱۴۰۶ ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن محمد بن احمد، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
- ابن حنبل، احمد بن فضائل عثمان بن عفان، تحقیق طلعت بن فؤاد الحلوانی، جده، دار ماجد عسیری، ۲۰۰۰ م.
- ابن حنبل، احمد، فضائل الصحابة، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصروهم من ذوی الشأن الاکبر، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، ۱۹۸۸ م.
- ابن زنجویه، حمید بن مخلد، الأموال، عربستان، مرکز الملك فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق.
- ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، الإمامة و السیاسة، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الأضواء، ۱۹۹۰ م.
- ابوحنیفه، نعمان بن ثابت، شرح الفقه الاکبر، امارات، مكتبة الفرقان، ۱۴۱۹ ق.
- اسدی تمیمی، سیف بن عمر، الفتنة و وقعة الجمل، تحقیق احمد راتب عرموش، بیروت، دار النفائس، ۱۹۹۳ م.
- آلبانی، محمد ناصرالدین، سلسلة الأحادیث الصحیحة و شيء من فقهها و فوائدها، ریاض، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، ۱۴۱۶ ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، دمشق، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
- بدران، عبدالقادر بن احمد، المدخل إلى منهج الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
- بهرامیان، مسعود، و تقیانی، علی، «مبانی اندیشه سیاسی امام ابوحنیفه در دفاع از قیامهای علویان (زید بن علی و ابراهیم بن عبدالله)»، ۱۳۹۵، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۴ (۴۶)، ص ۵۵-۳۹.
- ترکمنی آذر، پروین، تاریخ سیاسی شیعیان اثناعشری در ایران (از ورود مسلمانان تا تشکیل حکومت صفویه)، قم، مؤسسه شیعهشناسی، ۱۳۹۰.
- تمیمی سمرقندی، عبدالله بن عبدالرحمن، مسند النارمی المعروف بسنن النارمی، تحقیق نبیل هاشم الغمری، بیروت، دار البشائر، ۲۰۱۳ م.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، قم، انصاریان، ۱۳۸۰.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰ م.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد و ذیلوه، تحقیق عطا و مصطفی عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، بیروت، مؤسسة الرسالة، بی تا.

بررسی انتقادی رویکرد سلفیه معاصر به تعامل اهل بیت (ع) با خلفا ♦ ۲۱

سلمی نیشابوری، محمد بن اسحاق، صحیح ابن خزیمه، تحقیق مصطفی اعظمی، بیروت، المکتب الاسلامی، بی تا.

طبرانی، احمد بن ایوب، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی بن عبد المجید، چ دوم، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.

عباسی، حبیب، «بررسی دلایل ناصبی بودن ابن تیمیه با تکیه بر آثار وی و دیدگاه علمای اهل سنت پیرامون ناصبی بودن او»، ۱۳۹۶، امامت پژوهی، دوره هفتم، ش ۲، ص ۱۳۹-۱۷۵.

فرمانیان، مهدی، و معینی فر، محمد، سلفیه از گذشته تا حال، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵.

القاری، ملاعلی، شرح کتاب الفقه الاکبر، تحقیق علی محمد دندل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۱م.

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.

مرکز البحوث و الدراسات، الثناء المتبادل بین الآل و الأصحاب، کویت، شرکت عیسی حسین الیوسفی و اولاده، ۲۰۰۶.

نوبختی، حسن بن موسی، فرقی الشیعه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۴ق.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (ص)، تحقیق محمد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.